



معرفی

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۳۳ ■ ۲۹ دی ۱۴۰۱

نوجوان  
جامعه



مریم  
شاه پسندی

درباره چیزهایی که از کشور فلسطین و نوار غزه شنیده ایم

# نوار باریک پر حاشیه

## نمادهایی خوشمزه!

دنبال خواص زیتون می‌گشتم تا بدانم چرا نماد مقاومت مردم غزه شده است؛ جدای از این که دانستم در طول تاریخ، بخشی از تأمین معاش و کشاورزی مردم نوار غزه با همین درختان زیتون بوده و هست، فهمیدم نمادین بودن زیتون برمی‌گردد به خیلی سال پیش و نه تنها نماد مردم غزه است بلکه حتی در تمدن‌های مختلف و در طول تاریخ، شاخه زیتون نماد صلح و مقاومت بوده و در پرچم سازمان ملل متحد هم تصویرش حضور دارد. شاید به این دلیل که زیتون درختی همیشه سبز و جاودان است، حتی اگر نابود هم بشود باز هم خودش را احیا می‌کند و سرپا می‌شود.

اما از همه اینها جالب‌تر، این بود که میان جست‌وجو هایم، به محتوایی برخوردیم که عجیب بود و خواندنی و چنین می‌گفت که گویا در سال ۱۹۶۷، اسرائیل استفاده از پرچم فلسطین را در غزه و کرانه باختری ممنوع می‌کند و هیچ‌کس حق استفاده از این پرچم



را نداشته و هیچ هنرمندی اجازه نداشته پرچم فلسطین را در آثارش نقاشی کند؛ همین، ذهن خلاق و مبارز هنرمندان‌شان را به کار می‌اندازد و تصمیم می‌گیرند به جای پرچم، تصویر هندوانه قاچ شده را به طور نمادین در نقاشی‌های سیاسی و مقاومت طلبانه‌شان جای دهند! اما شاید پرسید چرا هندوانه؟! جانم برای‌تان بگویم پرچم چندرنگ فلسطین متشکل از رنگ مشکی، سفید، سبز و قرمز است و به گمانم همین توضیح کافی بود تا متوجه شوید برای چه، هندوانه قاچ شده را جایگزین کردند.

اما این بحث به همانجا محدود نشد و در سال‌های اخیر که اسرائیل این پرچم را در فضای مجازی‌شان هم سانسور می‌کند، مردم غزه به خصوص نسل جدید و جوان‌تر، به کرات از ایموجی هندوانه استفاده می‌کنند و انگار که می‌خواهند بگویند: «ما هنوز هستیم، وجود داریم و می‌مانیم».

## کم مساحت اما پرجاذبه

وقتی صحبت از قدمت نوار غزه می‌شود و آثار باستانی‌اش، آنچه بیش از بیش آزاردهنده است، سایه جنگ و آشوبی است که سال‌ها بر سر این سرزمین سنگینی کرده و می‌کند. به رغم آنچه تا الان درباره غزه شنیده‌ایم و تنها صحبت از ویرانی و رنج بوده، شهر غزه که یکی از بزرگ‌ترین شهرهای باریکه غزه است، از قدیمی‌ترین شهرهای جهان به شمار می‌رود. تاریخدانان عمر این شهر را حدود ۵۰۰۰ سال تخمین زده‌اند و آثار باستانی ریز و درشت از ظروف سفالین گرفته تا بناهای باستانی، در این سرزمین یافت می‌شود.

## غذای غزه



اما از هر چه بگذریم، سخن از غذا خوش تر است! از آنجا که این سرزمین در طول تاریخ، تحت حاکمیت امپراتوری‌های بزرگ و متنوعی بوده، غذای مردم غزه و به طور کلی غذاهای فلسطینی تحت تأثیر فرهنگ تمدن‌هایی قرار گرفته است که روزی بر آن سرزمین حاکمیت داشته، از اوایل دوران اسلامی گرفته تا فرمانروایی عباسیان که از آشپزی پارسیان تأثیر می‌گرفتند و بعد از آن، در زمان پادشاهی عثمانی‌ها که ترکان، بیشترین تأثیر را بر آشپزی فلسطینی گذاشتند. همچنین غذاهای‌شان اشتراکاتی با غذاهای سوری هم دارد. در میان مردم فلسطین، بعضی از غذاها مشترک است؛ مثل فاصولیا بیضاء، سمبوسه، خوراک لوبیا سبز و... اما در هر شهری از این سرزمین، با توجه به موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی آن بخش، تفاوت‌هایی در سبک آشپزی پیدا می‌شود.

غذاهای غزه، نوعی غذای شامی هستند؛ همچنین ساحلی بودن غزه باعث می‌شود طبخ انواع و اقسام ماهی‌های دریای مدیترانه باب میل این مردم باشد. آنها غذاهای دریایی متنوعی دارند، از ادویه‌های گوناگون استفاده می‌کنند و بسیار علاقه‌مند به فلفل هستند. از معروف‌ترین غذاهای غزه می‌شود به سمک مشوی مع صوص الطرطور، فربه و... اشاره کرد.



با این که کاوش‌های باستانی در این سرزمین جنگ‌زده به طور کامل انجام نشده و چه بسا ویرانی‌های اخیر صدمه جدی به این بناها و آثار باستانی وارد کرده باشد، اما همچنان اماکن تاریخی جالب و جذابی در این شهر قرار دارد. شهر غزه مساحت چندان زیادی ندارد اما مصداق بارز آن عبارت «کم اما با کیفیت» است. یکی از بناهای دیدنی این شهر، قلعه‌ای قدیمی است که قصر نام دارد. این بنا در قلب شهر غزه و در قرن سیزدهم به دست سلطان مملوک بنا شده است که البته بخش قلعه این بنا، متعلق به فرماندار عثمانی در قرن هفدهم است، بعدتر انگلیسی‌ها از آن برای نیروهای پلیس خود استفاده می‌کردند و مصری‌ها آن را تبدیل به مدرسه دخترانه کردند. در حال حاضر نیز به موزه بدل شده است.

## کوچک‌ترین بازمانده



لطیفه جسم کم‌جانش را روی زمین می‌کشد تا به پیکر همسرش، سعید برسد. درد تنش که هیچ، قلبش آکنده از درد و رنج است و وقتی آخرین تیر را بر جان لطیفه می‌زند، با چشمانی خیره و نگران به خانه‌ای که جگرگوشه‌اش در آن تنها مانده، به مرگ تن می‌دهد. چشمان سعید هم بعد از مرگ دلواپس است، دلواپس دختری که تنها فرزندشان بود و نور چشمش. از مطبش تا خانه را برای او دیده بود، از کوچه پس‌کوچه‌ها فرار کرده و درد دست تیر خورده‌اش را تاب آورده بود تا به دخترش برسد،

اما در چند قدمی خانه‌شان، او را کشته بودند. حال، زن و مرد باتن‌هایی بی‌جان روی زمین افتاده‌اند و صدای گریه نوزاد از خانه مشترک‌شان به گوش می‌رسد. همان خانه‌ای که کمی بعد، یهودیان غصبش می‌کنند و فرزند جامانده در خانه راه به فرزند خواندگی قبول. آنچه گفتم پایان که نه، شروع یک روایت است از نوزاد جامانده فلسطینی در دل دشمن، اثری که برخی آن را بهترین و مهم‌ترین فیلم سینمای جهان درباره فلسطین می‌دانند. فیلم «بازمانده» با کارگردان ایرانی، سیف‌الله داد و بازیگرانی عرب زبان در لاذقیه و دمشق ساخته شده و روایت بخشی از مشقت و ظلمی است که سال‌ها به این مردم تحمیل شده است. این فیلم برگرفته از داستان «بازگشت به حیفا» اثر غسان کفانی است، نویسنده فلسطینی که صهیونیست قلمش را تاب نیاورد و او را به شهادت رساند.

## مردی آزاده از دامان

### اشغال



نمی‌توان از غزه صحبت کرد و بحث از مقاومت مردم فلسطین به میان بیاید اما نامی از محمود درویش نیاورد. این شاعر نامدار متولد روستا البروه و اصلتا فلسطینی است. او در زمان حیات خود، صدای مردم رنج‌کشیده وطن خود بوده و همچنان اشعار او میان طرفدارانش با ملیت‌ها و زبان‌های متفاوت، دست به دست می‌چرخد و ماندگار است. او چه در زمینه هنری یعنی شعر و نویسندگی و چه در زمینه سیاسی مثل عضویت در انجمن‌های مختلف، همواره نوای وطن دوستی و ظلم‌ستیزی سر داده و این، به وضوح در آثار و حتی سرگذشت زندگی درویش عیان است. اولین تجربه تلخ او از ظلم، شاید برگردد به شش سالگی‌اش، زمانی که مجبور به ترک وطن شد تا زنده بماند و وقتی بعد از مدتی دوباره به زادگاهش بازگشت، جز ویرانی هیچ ندید.

به قول یک شاعر جوان فلسطینی که گفته: «غزه ما را شاعر می‌کند». به گمانم جنگ و اوضاع آشفته وطن درویش، از او چنین هنرمند مبارزی ساخته، چنان که می‌گوید: «در زیر تازیانه/ در زیر بند/ در قساوت زنجیرها/ خواهم گفت/ هزاران هزار مرغ/ بر شاخه‌های قلم/ در کار آفریدن نغمه پیکارند». این شعر که خواندید، متعلق به کتاب «اگر باران نیستی نازنین، درخت باش»، گزیده‌ای از اشعار محمود درویش در مقاطع مختلف زندگی اوست. از دیگر کتاب‌های او می‌شود به گنجشک‌های بی‌پال، برگ‌های زیتون و در محاصره اشاره کرد؛ انس با اشعار او، ما را به شناخت هر چه بهتر بینش مردم غزه نزدیک می‌کند.